

پروژه‌های نیمه تمام دولتی حاصل عدم توجه کافی به کار مشاوران سرمایه‌گذاری است

کار مشاوران سرمایه‌گذاری ایجاد ساختار بندی مناسب برای پروژه به منظور تامین مالی آن است

آرزو ضیایی



به گفته اقبال شاکری، عضو کمیسیون عمران مجلس برای تامین مالی ۷۰ هزار پروژه نیمه تمام دولتی در سال آینده بودجه ۱۰۴ هزار میلیارد تومانی اختصاص یافته است که به نسبت سال جاری شاهد افزایش ۳۷ هزار میلیارد تومانی در بودجه عمرانی هستیم. بنابراین به نظر می‌رسد مساله تامین مالی این پروژه‌ها بعد از چندین سال وقفه در دستور کار قرار گرفته و یکی از گزینه‌های موجود فعلی، تامین این پروژه‌ها از طریق بازار بورس و تشکیل صندوق‌های پروژه برای تامین مالی و تکمیل آنهاست.

از این رو بر آن شدیم با دکتر علی رحمانی، مدیرعامل شرکت مشاوره سرمایه‌گذاری نیکی گستر و مدیرعامل سابق شرکت بورس اوراق بهادار تهران، درباره ضرورت تامین مالی پروژه‌های نیمه تمام از طریق بازار بورس و نقش مشاوران سرمایه‌گذاری در این فرآیند گفت‌وگویی داشته باشیم. دکتر رحمانی معتقد است یکی از دلایلی که پروژه‌های دولتی نیمه تمام را دچار این سرنوشت شوم کرده عدم توجه و استفاده کارشناسانه از دانش و تخصص مشاوران خبره سرمایه‌گذاری در هنگام نگارش طرح‌های توجیهی بوده است و توجه دولت به این کمبود پیش از توزیع سهام این پروژه‌ها در بازار سهام می‌تواند کلید حل مشکل باشد.

آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی صورت گرفته است.

آیا امکان تامین مالی پروژه‌های نیمه تمام دولتی از طریق بازار سرمایه وجود دارد و اگر پاسخ مثبت باشد فرآیند انجام آن چیست؟

هر پروژه‌ای که بتوان آن را به نحو اقتصادی تعریف کرد و درخصوص بازیافت اصل و سود سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاران اطمینان داد قابل تامین سرمایه از طریق بازار سرمایه است. اما مساله مهم وجود ابزار مناسب برای تامین مالی است که به ماهیت پروژه‌ها برمی‌گردد تا بتوان ابزار مناسب برای آن را انتخاب و تامین کرد. راهکارهایی مانند انتشار اوراق مشارکت، اوراق صکوک اجاره از روش‌های تامین مالی مرسوم در این زمینه است. ساختار این ابزار مطمئناً باید هماهنگ با جریان‌های نقدی پروژه باشد تا طرح در نهایت دچار مشکل نشود. به عنوان مثال اگر پروژه در چهار سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد اوراق مشارکت آن باید بدون کوپن منتشر شود تا کارفرمایان در مدت زمان معین قادر به بازپرداخت اصل پول و سود آن باشند.

در مثالی دیگر اگر شرایط پروژه این امکان را نمی‌دهد که اصل و سود وام در زمان مناسب بازپرداخت شود می‌توان از سررسید سریالی استفاده کرد و بازپرداخت سود را سال پنجم یا ششم و در واقع بعد از بهره‌برداری پروژه در نظر گرفت. این مباحث مربوط به مهندسی مالی است و باید بتوان ابزار مناسب را برای تامین مالی طراحی کرد. البته قوانین و مقررات دولتی نیز باید اجازه این اقدامات را به کارفرما بدهند و ساختار مناسب مشارکت خصوصی باید وجود داشته باشد. شایان ذکر است ریسک قابل تامل در این زمینه نه مسأله بخش خصوصی که مسأله مربوط به دولت

است. تورم مساله حیاتی است، زیرا ممکن است قیمت یک پروژه سرمایه‌گذاری چهار سال بعد از آغاز ساخت سه برابر شده بوده و سرمایه‌گذار سود کرده باشد. در این هنگام است که سازمان‌های نظارتی بحث واگذاری پروژه را به سرمایه‌گذار خصوصی دچار مشکل می‌کنند و در نهایت ممکن است این واگذاری رخ ندهد یا دچار شرایط خاص شود. به عنوان مثال امروز برخی از ورزشگاه‌ها که در قالب قراردادهای BOT تامین مالی شده‌اند توسط دولت از سرمایه‌گذاران خصوصی پس گرفته شده‌اند و دولت آنها را برای واگذاری تحت فشار گذاشته است. این دست از اقدامات به میزان اشتیاق سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در این خصوص لطمه وارد کرده و کمتر فردی پا به این عرصه گذاشته و درگیر کش و قوس‌های اداری و دولتی می‌شود؛ زیرا کل این فرآیند را متأثر از تغییر یک مدیر یا دولت، زیر سوال رفته می‌بیند. در واقع نگرانی از وفای به عهد دولت در قبال تعهدات و مسئولیت‌ها بحث جدی و اساسی است.

علاقه شرکت‌ها به تامین مالی خود از طریق بازار سرمایه را نشأت گرفته از چه مسائلی می‌دانید؟

واضح است که هرچا مساله تامین مالی، دادن پول و تسهیلات باشد همه افراد به ویژه کارفرمایان با نیاز مالی به آن علاقه نشان می‌دهند. انگیزه‌های زیادی مانند وجود ابزار بسیار مناسب تامین مالی و بازار بزرگ سرمایه امروز پیش روی سرمایه‌گذار است، اما او را درگیر الزاماتی نیز می‌کند. به عنوان مثال طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری برای تامین مالی در بازار سرمایه باید رتبه بندی شوند و اگر رتبه AA به بالا را کسب کنند می‌توانند بدون ضمانت بانکی و با اوراق مشارکت شرکتی تامین مالی شوند. در هر صورت با وجود این ضوابط و شرایط باید ساختارها همچنان باید ریسک سیستمیک را نیز پذیرفت، این ریسک به آن معناست که سازوکارها و نهادهای موجود کار خود را به درستی انجام ندهند و فرد سرمایه‌گذار را دچار مشکل کنند. تاکنون علاقه به حضور در بازار سرمایه و استفاده از منابع مالی پیش بینی شده در این زمینه قابل توجه بوده است، اما نیازمند انضباط بیشتر در بازار هستیم تا نظام گزارشگری شفاف و دقیقی برای هر پروژه وجود داشته و اطلاعات دقیق و انضباط مالی در پرداخت سود و اصل پول سرلوحه کار باشد. البته در این خصوص موضوع صرفاً اوراق بدهی نیست و از اوراق مالکانه نیز می‌توان سخن گفت و ساختار پروژه را در قالب ساختارهای مالکانه طراحی کرد.

توانند بدون ضمانت بانکی و با اوراق مشارکت شرکتی تامین مالی شوند. در هر صورت با وجود این ضوابط و ساختارها همچنان باید ریسک سیستمیک را نیز پذیرفت، این ریسک به آن معناست که سازوکارها و نهادهای موجود کار خود را به درستی انجام ندهند و فرد سرمایه‌گذار را دچار مشکل کنند. تاکنون علاقه به حضور در بازار سرمایه و استفاده از منابع مالی پیش بینی شده در این زمینه قابل توجه بوده است، اما نیازمند انضباط بیشتر در بازار هستیم تا نظام گزارشگری شفاف و دقیقی برای هر پروژه وجود داشته و اطلاعات دقیق و انضباط مالی در پرداخت سود و اصل پول سرلوحه کار باشد. البته در این خصوص موضوع صرفاً اوراق بدهی نیست و از اوراق مالکانه نیز می‌توان سخن گفت و ساختار پروژه را در قالب ساختارهای مالکانه طراحی کرد.

اخیراً در مورد پروژه‌های زیرساختی بحث تشکیل بورس املاک به صورت تخصصی مطرح است، زیرا بسیاری از شرکت‌های تامین سرمایه بدون وجود بورس املاک به دلیل ریسک‌های موجود رغبت زیادی برای مشارکت در تامین مالی پروژه‌های نیمه تمام دولتی ندارند. البته وزارت اقتصاد و خزانه داری کل بانک مرکزی تاکنون در بازپرداخت اوراق بدهی با تعهد کافی عمل کرده و بازار سرمایه اعتماد قابل توجهی به این اوراق دارد و آن را ساختاری قوام یافته در بازار سرمایه می‌داند که تامین کننده مالی دولت است.

اگر ساختار فعلی انتشار اوراق وجود نداشت بانک مرکزی ناچار به چاپ پول در حجم‌های زیاد و درگیر آثار قابل توجه این کار در افزایش تورم به دلیل لجام گسیختگی در نقدینگی می‌شد. بنابراین بانک مرکزی در درستی از شرایط موجود اقتصادی ایران دارد

نقش مشاوران سرمایه‌گذاری را در بازارهای سرمایه چگونه می‌بینید؟

در دنیا بازارهای بزرگ سرمایه‌ای مانند بازار بورس نیویورک یا لندن وجود دارد و در خاورمیانه می‌توان از بازار مالی ابوظبی نام برد. تمام این بازارها در زمینه بورس تجارب گران سنگی دارند. کار مشاوران سرمایه‌گذاری ایجاد ساختار بندی مناسب برای پروژه به منظور تامین مالی آن است، اینکه ابزار مناسب را تشخیص دهد و ابزاری متناسب با پروژه را تعریف کند. این ابزار باید برحسب شرایط جریان نقدی ساختار بندی شوند. در بازار، واسطه‌های معاملاتی و اطلاعاتی وجود دارند و در واقع مشاوران سرمایه‌گذاری به عنوان واسطه‌های اطلاعاتی پروژه تلقی می‌شوند.

در این میان ریسک کج اخلاقی و کج‌گزینی نیز وجود دارد. کج‌گزینی به آن معناست که پروژه آن چیزی نباشد که مدعیان آن وانمود کرده‌اند. در این خصوص مشاوران سرمایه‌گذاری با بررسی دقیق طرح توجیهی نوشته شده و استفاده از محفوظات پروژه، وضعیت طرح را مطابق با واقعیت ترسیم می‌کنند تا گزارش تهیه شده منطبق بر بهترین و درست‌ترین اطلاعات باشد.

ریسک دیگر، کج اخلاقی است که به معنای بحث انحراف مصرف منابع است. این موضوع در ساختار بندی‌های تعبیه شده و زیرساخت‌های

آغاز به کار دبیر کل جدید کانون



دبیرکل جدید کانون چهارشنبه ۱۰ دی ماه با حضور در نشست شورای عالی، رسماً کار خود را آغاز کرد. رییس شورای عالی با خوش آمد گویی به مهندس کیومرث فروتنی بهمن پور برای ایشان در مسیر تحقق اهداف کانون آرزوی توفیق کرد. دبیرکل جدید کانون همچنین بعداز ظهر دوشنبه ۸ دی ماه توسط رییس شورای عالی به کارکنان دبیرخانه معرفی شد. درنحستنی که به این منظور در سالن کنفرانس کانون و با رعایت شیوهنامه‌های بهداشتی برگزار شد، رییس شورای عالی با اشاره به اینکه پس از چندماه بررسی و مذاکره با نامزدهای متعدد احراز سمت دبیرکلی کانون - که به دلیل اهمیت و حساسیت اعضای شورای عالی به اهلیت

و تخصص فرد منتخب برای تصدی این جایگاه به طول انجامید- اعلام کرد سرانجام آقای مهندس کیومرث فروتنی بهمن پور از میان نامزدان مختلف با اجماع اعضای شورای عالی کانون به این سمت برگزیده شد. کیومرث فروتنی با عنوان مشاور معاونت امور صنایع وزارت صمت به درجه بازنشستگی نائل شده است. وی در سوابق حرفه ای خود با کارشناسی مهندسی مکانیک و مدیریت دولتی، ریاست سازمان صنایع و معادن استان کرمانشاه، مدیریت طرح تأمین کالا در وزارت صمت، دبیر ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در کشور، مدیر کل صنایع ماشین سازی و نیرو محرکه، عضویت در هیئت مدیره شرکت ایران خودرو کرمانشاه و مسئولیت پیگیری اجرای قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور را، عهده دار بوده است.



دارای حساب رسی دقیق نباشد چگونه می توان مسئولان بانکی را مجاب به اختصاص تسهیلات به آن کرد؟! زیرا در نهایت مسئولان پروژه قادر به بازپرداخت این تسهیلات نبوده و پول بانک به نوعی سوخت می شود. این اتفاق ناگوار سال های اخیر است. این اتفاق تبعات ناگواری نیز دارد. به عنوان مثال قوه قضاییه خواستار توقف پیشرفت این دست از پروژه ها می شود و به مساله ورود پیدا کند و گره ایجاد شده کورتر می شود. مسلم است که یک شرکت بزرگ با گردش مالی قاعدتا نیازمند مدیر مالی متخصص است تا مسائل مالی مانند مالیات بر ارزش افزوده را حل کند تا در نهایت این موضوع سبب تعطیلی پروژه یا اعلام بدهی برای آن نشود.

مدیر مالی متخصص برنامه ریزی دقیق انجام می دهد تا شرکت قادر به پرداخت اقساط پولی خود باشد. این شرکت همچنین نیازمند یک مشاور سرمایه گذاری متخصص نیز است تا برای سرمایه گذاری بلندمدت به مجموعه راهکار ارائه دهد و شرکت را به استفاده از منابع مالی بلندمدت مجاب کند. هنگامی که یک شرکت برای انجام پروژه بلند مدت وام کوتاه مدت بگیرد قطعاً قادر به بازپرداخت وام نیست و در نهایت پروژه ناتمام باقی می ماند. متأسفانه در مورد پروژه های نیمه تمام دولتی از هیچ یک از این دو تخصص استفاده درست نشده است و بسیاری از نهادها و سازمان ها هنوز در حوزه سرمایه گذاری اعتقادی به نظر کارشناسانه و دقیق مشاوران عضو کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی ندارند. این عاملی ریسک آفرین در روند پروژه های عمرانی است.

یک طرح توجیهی اقتصادی و برنامه کسب و کار دقیق باید توسط مشاور سرمایه گذاری و در تعامل با سهامداران و مدیران شرکت نوشته شود و پروژه را در مسیر موفقیت قرار دهد. بسیاری از پروژه های ناتمام دولتی دچار مشکل به دلیل عدم توجه به این موضوع شده اند.



و به عنوان مثال شرکت ها می توانند از سقف درآمد اختصاصی خود برای تأمین پروژه، تسهیلات دریافت کنند، اما مساله مهم کمبود منابع مالی بانک هاست. برخی از بانک ها به بانک مرکزی بدهکارند و این کار را سخت می کند. در این میان نباید از یاد برد که بازار پول بازاری کوتاه مدت و بازار سرمایه بلند مدت است. بیش از صدها هزار میلیارد تومان تاکنون بابت کسری منابع پولی از سوی دولت به صندوق ها و تعاونی های اعتباری موسسات غیرمتشکل خصوصی یا دولتی پرداخت شده است و بانک ها ارقام قابل توجهی به بانک مرکزی بدهکار هستند. بنابراین بازار پول را نباید درگیر سرمایه گذاری های بلندمدت کرد زیرا اتفاقات ناگوار عنوان شده مجدد تکرار می شود. بانک باید ارزیابی اعتبار دقیق انجام دهد. اگر بر روی پروژه های مطالعات دقیق صورت نگرفته باشد و از نظر مالی

صندوق ها، جمع آوری سرمایه از متقاضیان و اختصاص وجوه جمع آوری شده به ساخت و بهره برداری انواع پروژه های دارای توجیه است.

■ سخت گیری های فعلی بانک ها در ارائه تسهیلات سبب چه تغییراتی در تأمین مالی پروژه های عمرانی نیمه تمام دولتی و نقش مشاوران سرمایه گذاری شده است؟

در اینجا ذکر این نکته لازم است که بانک ها هیچگاه به صورت مستقیم پروژه های عمرانی را تأمین مالی نکرده اند. روند به این شکل بوده است که برای تأمین مالی پروژه های عمرانی حجم زیادی اوراق پیش بینی و انتشار یافته یا تسهیلاتی در این خصوص در نظر گرفته شده است. در واقع دولت بگونه مستقیم برای این پروژه ها تأمین مالی نکرده است. هر چند گشایش هایی در این مورد رخ داده

۱۰۰ طرح شده عاملی موثر است. هنگامی که یک شرکت بازار سرمایه در یکی از کشورهای دنیا تأمین مالی را در قالب اوراق بدهی مانند اوراق قرضه سرلوحه قرار می دهد تا خود آگاه به دلیل مواردی مانند اندوخته نیروی استهلاکی یا برخی دیگر از نسبت های مالی، نگرانی در مورد بازپرداخت و عدم بازپرداخت اوراق وجود دارد. در این هنگام است که مشاوران سرمایه گذاری به سرمایه گذاران مشورت هایی را ارائه می دهند تا آنها از نبود کج اخلاقی در پروژه اطمینان حاصل کنند. بنابراین نقش مشاوران سرمایه گذاری حرفه ای در این مورد بسیار مهم است، البته کار این مشاوران نیازمند سطح بالایی از دانش و تخصص است و باید مشاورانی با احراز این شرایط وجود داشته باشند. کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی نیز در این راستا باید به برگزاری دوره های آموزش حرفه ای برای مشاوران اقدام کند تا آنها در کار خود شاهد پیشرفت و رشد روزافزون باشند. هر چند مقدمه تمام این برنامه ها تقاضای دولت برای استفاده از دانش مشاوران خبره است.

■ تفاوت صندوق های پروژه و صندوق های سرمایه گذاری چیست؟

صندوق های سرمایه گذاری برای افرادی که قصد دارند به صورت غیرمستقیم در بورس سرمایه گذاری کنند یا اینکه زمان و اطلاعات کافی برای سرمایه گذاری مستقیم را ندارند مناسب است. با این کار، سرمایه گذار امکان دستیابی به بازدهی بالاتر از سود بانکی را به دست می آورد.

صندوق سرمایه گذاری، مجموعه ای از سهام، اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار است. در مقابل صندوق سرمایه گذاری پروژه، صندوق هایی هستند که منابع مالی سرمایه گذاران را برای تأمین مالی پروژه های صنعتی، معدنی، نفت و پتروشیمی و مانند آن جذب می کنند و هدف از تشکیل این نوع

دستگاه‌های اقتصادی برای کاهش نقدینگی پیش قدم شوند



این کارشناس پولی و بانکی افزود: البته همه جا دولت در چنین شرایطی باید مالیات بیشتری بگیرد اما در شرایط رکود تورمی که در اقتصاد شاهد هستیم که نمی‌شود مالیات گرفت. پس تنها راه کاهش هزینه‌ها است و فقط باید هزینه‌های ضروری را نگه داشت. حاتمی یزد یادآور شد: این همه بنیادها و موسسات مختلف فرهنگی که در سراسر کشور هست که بودجه‌های عظیمی را نصیب خود می‌کنند که باید پذیرفت الان دیگر نمی‌شود چنین بودجه‌هایی برای آنها تامین کرد. بنابراین کاهش هزینه‌های فرهنگی که تأثیر گذاری آنها در جامعه خیلی کم و محدود است و یا مفید بودنشان برای دولت و مجلس به اثبات نرسیده امری ضروری محسوب می‌شود.

دستگاه‌های اقتصادی پیش قدم شوند

وی اقتصاد کشور را نیازمند یک ساماندهی مجدد دانست و تصریح کرد: در شرایط فعلی که دچار گرفتاری عظیمی مثل تحریم شده ایم چرا نهادهای غیر دولتی به کمک مردم نمی‌آیند. برای مثال، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و بنیاد شهید که دارای‌های عظیمی در اختیار دارند، اگر فقط یکی از آنها دارای‌اش را به بازار عرضه کند یک چیزی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ارزش تولید می‌کند. مدیریت و ساماندهی اینها شاید در یک سال امکان‌پذیر نباشد اما در سه تا پنج سال حتماً امکان‌پذیر است، اما متأسفانه این امر هنوز محقق نشده است.

حاتمی یزد در اینباره ادامه داد: استفاده از دارای‌های عظیم بنیاد و ستاد اجرایی برای تامین هزینه‌های گریز ناپذیر دولت و مردم مانند حقوق بازنشستگی کارگران و زحمتکشان و مستمری بگیران تامین اجتماعی، کمک به هزینه درمان محرومین از طریق تامین پوشش بیمه تکمیلی برای کودکان، دانش آموزان مدارس و تامین بیمه کامل برای حداقل ده درصد جمعیتی که فقیرترین و آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند می‌تواند انجام گیرد.

رییس اسبق بانک صادرات ایران تأکید کرد: اگر نهادهای غیردولتی بخشی از دارای‌هایشان به فروش برسد بسیاری از مشکلات حل می‌شود. یعنی اگر این بنیادها وارد کار شوند می‌توانند اتفاقات مثبتی را در اقتصاد کشور رقم بزنند. مثل همان زمان انقلاب که همه بازاری‌ها و کارخانه‌داران به کمک طبقات ضعیف‌تر رفتند. وی در پایان گفت: متأسفانه امروز حس وحدت با فقرا و محرومین کاهش یافته است. اما اگر نهادهای اقتصادی و بنیادهایی از این دست برای بهبود وضعیت اقتصادی در شرایط امروز پیش قدم شوند، بقیه مردم هم کمر همت می‌بندند.

مدارس و دانشگاه‌ها است و به اینکه مجموع این هزینه‌ها که در بودجه نوشته می‌شود و یا هزینه ارزی آن برای کشور از کجا باید تامین شود، کسی فکر نمی‌کند.

در بودجه نویسی باید منطق ریاضی در نظر گرفته شود

حاتمی یزد با اشاره به مناظره‌ای که با یک نماینده مجلس داشته است گفت: وقتی در یک برنامه رادیویی از نماینده مجلس پرسیدم چرا در بودجه توجه بیشتری به درآمد‌ها نمی‌شود؟ پاسخ داد وقتی بودجه می‌نویسیم نمایندگان به آرزوهایشان فکر می‌کنند و نه به امکاناتمان. رییس اسبق بانک صادرات ایران ادامه داد: الان در شرایط تحریم هستیم و درآمد نفتی‌مان کم شده ولی همچنان هزینه‌هایمان شبیه زمانی است که درآمد نفتی بالا داشتیم! این با منطق جور در نمی‌آید.

وی اضافه کرد: متأسفانه ما با منطق ریاضی بودجه را نمی‌بندیم بلکه با آرزوهایمان برای آنکه مردم را برای لحظاتی راضی نگه داریم وعده‌هایی می‌دهیم نظیر اینکه الان در مجلس ادعای یارانه دادن داریم، اما نمی‌پرسیم این یارانه‌ها از چه محلی تامین می‌شود! حاتمی یزد یادآور شد: ریشه سیاست اقتصادی صحیح در بانک مرکزی ما کنترل نقدینگی است که اگر توانستیم این نقدینگی را کنترل کنیم، می‌توانیم تورم و نرخ ارز و مسکن را به تبع آن کنترل کنیم.

وی با بیان اینکه سیاست‌های مالی و مالیاتی ما مشکل دارد، گفت: دولت اگر نخواهد هزینه‌ها را کم کند باید درآمدش را از گمرک و مالیات تامین کند و ارزی که مربوط به دولت است، تامین شود. الان که ارز دولت از محل صادرات نفت و گاز و پتروشیمی کاهش یافته، بهتر است متناسب با این کاهش درآمد نفتی، هزینه‌ها را کاهش دهد.

وحشتناک است و تبعات بسیار ناخوشایندی دارد که در این چهار دهه مسئولان امر در این مورد هدف‌گذاری نکرده‌اند و اگر هم تلاشی کرده‌اند نتوانسته‌اند به اهداف خود دست یابند. در حالی که در دو دهه اخیر بسیاری از کشورهای شبیه ما گرفتار تورم شدند ولی راه حل آن را پیدا کردند. همین ترکیه قبلاً ۷۰ درصد در سال تورم داشت اما الان این عدد برای اقتصاد ترکیه حدود ۷ تا ۸ درصد شده است.

حاتمی یزد با اشاره به جنبه‌های دیگر تورم در یک جامعه خاطر نشان کرد: همین تورم باعث ایجاد فساد می‌شود. برای مثال، وقتی کارمند دولت نمی‌تواند با یک کار خرج خود را در بیاورد، مجبور است کار دوم و سوم بگیرد و اگر باز هم نتواند در محیط کارش به رشوه خواری و قاچاق و نظایر اینها روی می‌آورد. بنابراین کنترل تورم اولویت بسیار بزرگی است که باید کماکان بررسی، پیگیری و کنترل شود.

این کارشناس پولی و بانکی در ادامه مهم‌ترین عامل رشد تورم را افزایش نقدینگی دانست و اظهار کرد: اگر بتوانیم نقدینگی را کنترل کنیم و افزایش نقدینگی نداشته باشیم می‌توان تورم را کنترل کرد. این دو شاخص در راستای همدیگر هستند یعنی اگر نقدینگی کنترل شود، تورم را هم می‌توان کنترل کرد. بنابراین، هدف‌گذاری نرخ تورم با هدف گذاری نقدینگی یکی است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا نقدینگی افزایش پیدا می‌کند؟ تصریح کرد: دلایل متفاوتی وجود دارد که مهم‌ترین آن کسری بودجه دولت است. یعنی هر زمان بودجه توسط نمایندگان مجلس و حتی دولتی‌ها نوشته می‌شود هزینه‌هایی را در بودجه پیش‌بینی می‌کنند که پول لازم و درآمد لازم برای آن هزینه‌ها وجود ندارد و برای مثال، یک نماینده‌ای در شهر خودش با فرودگاه می‌سازد و یا به دنبال ساخت میادین ورزشی و یا افزایش تعداد

نایب رییس اول شورای عالی کانون با بیان اینکه دولت باید به فکر کاهش هزینه‌ها باشد، گفت: ریشه سیاست اقتصادی صحیح در بانک مرکزی کنترل نقدینگی است که از طریق آن می‌توان تورم و نرخ ارز را کنترل کرد. در روزهایی که کرونا معشیت و سلامت مردم را همزمان به خطر انداخته و تمام توجه‌ها را به خود جلب کرده، در بازار اما این تورم است که کماکان نقش خود را پررنگ‌تر از همیشه بازی می‌کند. تورمی که حتی با خریدن یک قلم کالا می‌توان احساس کرد. اما این تورم چه دلایلی دارد و چگونه می‌توان با آن مواجهه عملیاتی کرد تا کنترل شود. نقدینگی بالا و کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی، همواره یکی از دلایل تورم روانی کالاها و خدمات عنوان می‌شود.

تورم روانی، گرانی کاذبی است که فروشندگان کالاها به دلیل ترس از نوسانات بازار از جمله نرخ ارز، روی قیمت کالاهایی که با قیمت کمتری تولید شده است، اعمال می‌کنند. وقتی صحبت از نرخ ارز و نقدینگی به میان می‌آید، نقش نظام بانکی در آن برجسته می‌شود. چنانکه، رییس کل بانک مرکزی معتقد است کنترل همزمان نرخ تورم، نقدینگی و نرخ ارز و مراقبت از سایر بازارها و نیز حمایت از جهش تولید شرایط پیچیده‌ای را برای بانک مرکزی و نظام بانکی ایجاد کرده است.

اما ریشه این تورم کجاست و برای کنترل نقدینگی نظام بانکی چه باید بکند؟ احمد حاتمی یزد، رییس اسبق بانک صادرات معتقد است نقدینگی و تورم دو سر یک نمودار هستند و گاهی اوقات دلیل بالا رفتن این نمودار، اتکا به بودجه‌ای است که دولت و مجلس امکان تحقق آن را ندارند و یکی از راهکارهای پیش رو، کاهش هزینه‌های دولت و دستگاه‌های زیر مجموعه آن است.

احمد حاتمی یزد در گفتگو با خبرنگار ایبنا، تورم را یکی از مشکلات پیوسته چهار دهه اخیر و از دلایل شکاف طبقاتی دانست و گفت: تورم برای اقتصاد و مردم و مخصوصاً طبقات ضعیف‌تر جامعه یک سم مهلک است. یعنی سطح زندگی بسیاری از مردم را کاهش می‌دهد و با افزایش ارزش دارای‌های افراد، ثروتمندان را ثروتمندتر می‌کند. اما در سوی دیگر، مردمی که دارای‌های ندارند و مجبورند برای زندگ خود از حقوق و درآمد مختصرشان استفاده کنند، دائم هزینه زندگیشان افزایش می‌یابد و قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند.

وی تهدید سلامت مردم را در طولانی مدت از دیگر عواقب تورم عنوان کرد و افزود: برای مثال، با افزایش تورم، گوشت از سبد خرید بسیاری از خانواده‌ها حذف شده که همین امر، موجب سوءتغذیه می‌شود. بنابراین تورم بسیار

بررسی ضرورت ایجاد R&D در کانون



در بخش نخست گفت و گو با آقای مهندس ولی پور که در شماره گذشته "اخبار کانون" درج شد به مباحثی مانند بررسی نیاز شرکت‌های دانش بنیان برای استفاده از تسهیلات صندوق نوآوری و شکوفایی به گزارش‌های امکان سنجی پرداختیم و نیز در پاسخ این سوال برآمدیم که آیا ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان نیازمند دانش و تخصص بالاتری از حالت معمول است؟ و آن دسته از شرکت‌های عضو کانون که قصد ورود به این عرصه را داشته باشد چه آموزش‌هایی را نیاز دارند و آیا سطح فعلی مشاوران برای ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان مناسب است یا خیر؟ در این بخش از گفت و گو با آقای محمود ولی پور نراقی مدیرعامل گروه مدپا و عضو هیات مدیره، کارشناس مهندسی صنایع (برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها)، کارشناس ارشد صنایع این گفت و گو را ادامه می‌دهیم.



صنعتی سبب شده شرکت‌ها نیز به میزان لازم کارآمد نباشند. شرکت‌های عضو کانون باید از نظر دانش و تجربه توانمند شوند تا شرکت‌های دانش بنیان را توانمند کنند. کانون نهاد توسعه دهنده علم و دانش شود و در این صورت می‌تواند از مراکز حمایت‌کننده حمایت دریافت کند. معاونت علمی و فناوری نیز در این صورت از کانون حمایت‌های لازم را می‌کند.

■ مهمترین مشکلات به عنوان یک ارزیاب برای شرکت‌های دانش بنیان چیست؟

عدم آشنایی شرکت‌ها با مقوله دانش بنیان مساله مهمی است. هنگامی که هر بازرگانی حتی واردکننده برنج خواستار دانش بنیان شدن باشد می‌توان نتیجه گرفت عدم آگاهی و نگاه بازاری به سیستم دانش بنیان هفتاد درصد شرکت‌ها را احاطه کرده است. کانون می‌تواند متولی قانونی این امر باشد و هیچکس نمی‌تواند در این زمینه از کانون مشاوران انقاد قانونی داشته باشد. آسیب شناختی از شاخه دانش بنیان اهمیت زیادی دارد تا نقاط قوت و ضعف شناسایی شود. در نهایت به سازمان‌دهی دقیق از نظر چارچوب کاری می‌رسیم.

عدم وجود افرادی به عنوان راهنما و مشاور در حوزه دانش بنیان سبب کاهش تعداد شرکت‌ها شده است همچنین درک درستی از مقوله دانش بنیان وجود نداشته باشد. اگر از شرکت‌های دانش بنیان از مزایای دانش بنیانی سوال کنید و بگویند از ۱۱۰ مزیت تاکنون از چه تعداد استفاده کرده‌اند جواب خوشایندی دریافت نمی‌کنید. برخی مدیران هیچ درکی از مزایای دانش بنیانی ندارند. برخی دیگر به دلیل رقابت با همصنفان خواستار دانش بنیانی هستند در حالی که شاید خلاف همکار خود به رغم ساخت یک محصول مشترک با آن شرایط احراز دانش بنیانی را نداشته باشند.

در واقع صرفاً مساله محصول نیست و بحث دانش نیز مطرح است. آیا دانش شرکت‌ها در سیستم فعلی مدیریت می‌شود و توسعه می‌یابد؟ خوشبختانه در معاونت علمی هفتگی

تا شرکت‌ها درآمد بیشتری داشته باشند. تجاری سازی از دید کانون می‌تواند آن باشد که الزاما برای یک شرکت از راه درست پول ساخته و توانمندسازی شود. کانون می‌تواند حامی برطرف کردن نیازهای فناورانه باشد. ارزش گذاری دانش فنی از دیگر موضوعاتی است که تاکنون در معاونت برنامه‌ریزی نشده است. کانون می‌تواند متولی ارزش گذاری دانش فنی در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری باشد. در این صورت شرکت‌های دارای دانش فنی بها می‌یابند و شرکت‌ها به یکدیگر هم‌رسانی می‌شوند. صندوق توسعه و نوآوری شرایط هم‌رسانی را ایجاد و این مساله را مورد توجه قرار داده است. توسعه بازار، درآمد و فروش و توسعه R&D زیرشاخه‌های سیستم تجاری سازی هستند. انجمن‌ها در ایران کارایی لازم را ندارند و واحد نظارتی نیز بر عملکرد آنها وجود ندارد، هر چند بودجه سالانه می‌گیرند اما کار چندان مفیدی انجام داده نمی‌دهند.

عدم وجود واحد نظارت در انجمن‌های

امروزه شرکت‌های ارزیاب می‌توانند فعالیت تجاری سازی داشته باشند قانونی که باید حداقل دو سال گذشته به اجرا درمی‌آمد. زمانی در صندوق نوآوری و شکوفایی واحدی به نام وصول مطالبات وجود نداشت. بنابراین کمک هزینه از این صندوق دریافت می‌شد اما برنامه‌ای برای بازپرداخت آن وجود نداشت. توجیه آن بود که نمی‌توان از یک مقام علمی طلب پول کرد و این کار در شان صندوق نیست.

اگر امروز به این تجربه ارزنده بها داده شود می‌توان گفت که همکاری کانون و سازمان ثبت شرکت‌ها فرصتی بسیار مغتنم است. اگر اعضای کانون بتوانند در شرکت‌های در حوزه فناوری و دانش بنیان ایجاد سرمایه کنند به این شرکت‌ها قدرت داده می‌شود. دانشی که امروز در داخل ایران وجود دارد به درستی مدیریت نمی‌شود، بنابراین کشورهای دیگر از آن سود می‌برند. کانون می‌تواند خلع‌های موجود را پر و راه‌های ضرر دهی شرکت‌ها را مسدود کند. نیازمند شاخه‌ای به نام تجاری سازی هستیم



■ آیا معاونت علمی و فناوری خواستار نیازسازی از سوی شرکت‌های کانون است؟

زمانی که کانون شکل گرفت بانک صنعت و معدن خلاف بانک‌های دیگر مشاوران سرمایه گذاری داشت. در آن زمان موضوعی تحت عنوان ارزیاب وجود نداشت. بنابراین اگر شرکت‌ها در هر بانک دیگری جز صنعت و معدن فرآیند راحتی را طی می‌کردند در بانک صنعت و معدن فرمتی ۴۰۰ صفحه‌ای تکمیل می‌کردند و ملزم بودند از مشاوران رتبه‌بندی شده استفاده کنند. بعدها این سیستم به ساز و کار ارزیابی و رتبه بندی تغییر یافت.

به عنوان مثال شرکت فعال در حوزه پلیمر یا کشاورزی مشاوره خود را تخصصی تر کرد. در این بستر کانون شکل گرفت و با هر بانک بطور مجزا جلسه همکاری برگزار کرد. این نهاد به بانک‌های دیگر معرفی شد و در ارتباط با خدمات کانون به آنها اطلاعات کافی دادند. در گام بعدی تمام مراحل توسط شرکت‌های عضو تبیین و قانون‌های لازم قرار داد و شرکت‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. کانون علاوه بر فعالیت در حوزه مالی نیازمند ایجاد ساز و کار برای ورود به حوزه علمی است. شاخه دانش بنیان می‌تواند هم‌راستا با الگویی از معاونت علمی و فناوری دسته‌بندی‌های تازه ای ایجاد کند و در این حوزه نقش خود را تعریف کند. عموماً این کار به منزله توانمندسازی است. کانون در این راستا می‌تواند نقش توانمندساز و راهنما داشته باشد و شرکت‌های دانش بنیان را توسعه دهد.

■ برای توسعه فعالیت شرکت‌های دانش بنیان به عنوان ارزیاب چه موانعی وجود داشته است. مشاوران سرمایه گذاری می‌توانند به این فرآیند کمک کنند؟

امروز معاونت علمی و فناوری متوجه ریزش شرکت‌ها شده است. برخی شرکت‌های فعال نقاط ضعفی داشته‌اند. از سوی دیگر

نشست اعضای هیأت عالی نظارت کانون با اعضای شورای عالی

و دارایی به عنوان نماینده این وزارتخانه به عنوان اعضای جدید هیأت عالی نظارت و آقایان دکتر حقیقت پژوه، دکتر حاتمی یزد و خانم مهندس دانش خضری از اعضای شورای عالی حضور داشتند. متأسفانه در ابتدای جلسه آقای دکتر مراد پور، به دلیل احتمال ابتلا به کرونا ناگزیر از ترک جلسه شدند.

دستور جلسه مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه آقایان دکتر مهری مدیرعامل بانک صنعت و معدن، دکتر شیرینی مدیر عامل پست بانک، دکتر دانیالی عضو هیأت مدیره بانک سینا، دکتر مجاهدی عضو هیأت مدیره بانک آینده و دکتر مراد پور مدیر کل دفتر امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی

و دارایی، اولین نشست اعضای هیأت با تنی چند از اعضای شورای عالی کانون، برگزار و طی آن ضمن معرفی ظرفیت های جدید کانون و تأکید بر ضرورت تشکیل هیأت عالی نظارت طبق اساسنامه از سوی شورای عالی، عملکرد کانون از ابتدای تأسیس تاکنون به اطلاع اعضای هیأت عالی نظارت رسید و در ادامه سایر مواد

نشست مشترک هیأت عالی نظارت و شورای عالی کانون، چهارشنبه ۵ آذر در محل بانک صنعت و معدن برگزار شد. در پی معرفی اعضای جدید هیأت عالی نظارت از طرف اداره کل دفتر امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی



که اصول تجارت را نمی دانند در فعالیت خود دچار مشکل می شوند. برای شرکت هایی که تاکنون دانش بنیان نشده اند می توان آموزش برگزار کرد. در این صورت در می یابند که دانش بنیان چیست. کانون می تواند در این امر متولی شود. در واقع اینکه در تمام زمینه و حوزه ها میحث دانش بنیان تا چه میزان می تواند راهگشا باشد. این آموزش ها شرکت ها را تحریک می کند که از امکانات رایگان در اختیار استفاده کنند. برخی از این امکانات به شرح زیر است: شرکت های دانش بنیان در قبال فروش خدمت خود قرارداد ۱۶/۶۷ بیمه را نمی دهند. امکان فعالیت در واحدهای مسکونی برای آنها وجود دارد. سالی دو سرباز به صورت امریه و نیمه وقت می گیرند و از دانش آنها برای پیشبرد کارها استفاده می کنند. واحدهای کاری خصولتی مانند کانون که خصوصی و دولتی هستند می توانند سیستم فعلی کار معاونت علمی و فناوری را تغییر دهند.

جلوگیری می کنند. کانون می تواند در راستای تعامل شرکت های عضو با یکدیگر فرهنگ سازی کند، زیرا اگر مشاوران توانایی کمک به یکدیگر را نداشته باشند همه ضعیف می شوند و از بین می روند. برای استفاده از حوزه های تخصصی نیازمند همکاری شرکت های عضو با یکدیگر هستیم. این ساز و کار باید در کانون وجود داشته باشد که در صورت همکاری مشاوران با یکدیگر بتوانند از درآمد شرکت تجاری ساز به صورت درصدی سود منتفع شوند. کانون باید به حوزه بازاریابی نیز ورود کند. مساله اصلی کسب درآمد شرکت های دانش بنیان است. این کار توسط مشاوره گرفتن از شرکت های قوی مشاوره امکان پذیر است. گاه برخی از شرکت ها با صرف مبالغ سنگین مالی ناچار به مهندسی معکوس می شوند. مباحث تجاری سازی و راه های رسیدن به منافع مالی باید بررسی شود، زیرا دانشجویانی

استارت آپ ها بسیار زیاد شده است اما کانون در هیچ یک از این مراحل ورود نکرده است. کانون باید واحد R&d در خود ایجاد و تعیین کند. یکی از اقدامات این واحد توسعه بازار برای شرکت های عضو آن است. کانون می تواند جویای مشکلات شرکت های دانش بنیان شود. مسائلی مانند بیمه و مالیات که مشکل تمامی شرکت ها است شرکت های دانش بنیان را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است. بعد از آن نیز نیروی انسانی است. نیروی انسانی نیز معضلی برای شرکت ها است زیرا با نیروی انسانی خوب پیدا نمی شود یا اگر پیدا شود فرد به دنبال یک سکوی پرتاب است تا به محض آنکه دانش خود را کامل کند از آن شرکت برود. مساله کنونی در جامعه مشاوران رازنگاری اطلاعاتی است که هر مشاور دارد و نمی خواهد به دیگر همکاران بروز دهد و از جریان آزاد اطلاعات جلوگیری می کنند. در واقع تصور می شود مشاوران از کار یکدیگر

یا ماهانه جلسات مستمر برگزار می شود. همچنین قوانین ماهانه بازنگری می شوند. اگر آخرین ورژن آیین نامه ارزیابی را مطالعه کنید از سال راه اندازی تا کنون حداقل ۳۰ بار تغییر کرده است. این سیستمی است که در کانون به آن نیازمندیم تا بتوان از تمام ظرفیت های این نهاد استفاده کرد. شاخه هایی که می توان در زمینه دانش بنیان در کانون توسعه داد بسیار زیاد شده است. فردی قصد ورود به دانش بنیان را دارد باید دوره هایی تحت عنوان «شتاب دهنده ها» و «پیش شتاب دهنده» را پشت سر بگذارد. مساله شتاب دهنده ها نیز بازار کاری دیگری برای کانون است. همچنین دوره ای تحت عنوان «پیش شتاب دهنده» وجود دارد. در کسب و کارها این موارد بررسی می شود و گاهی کسب و کار فرد مذکور در دوره پیش شتاب دهنده بطور کلی کنسل می شود. علاوه بر این امروزه تعداد صندوق های جسورانه و

بازگشت سرمایه به جهان توسعه یافته



از آنجا که اقتصادهای در حال توسعه اغلب در زمینه‌هایی از اقتصاد به کشورهای توسعه‌یافته مزیت دارند که ناشی از برخورداری از نیروی کار غیرمتخصص و انبوه است، با فرض اینکه روبات‌ها جایگزین نیروی کار غیرماهر شوند و بخشی از بازار کارگران ماهر را اشغال کنند، ممکن است پس از انقلاب روباتیک، شاهد دوره‌ای از کاهش مبادلات تجاری در مناطق در حال توسعه باشیم. دلیل چنین وضعیتی به اثر ورود روبات‌ها به صنعت به‌طور نامتناسب کارگران غیرماهر را جابه‌جا خواهند کرد، از دستمزدهای نسبی آنها کاسته و قیمت کالاهایی را که با شدت بیشتری کار می‌کند کاهش می‌دهند. کاهش قیمت نسبی تولید اصلی آن، به نوبه خود، به‌عنوان یک شوک منفی بعدی عمل می‌کند، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و به‌طور بالقوه منجر به کاهش نه تنها نسبی بلکه تولید ناخالص داخلی مطلق می‌شود.

اما معنی تلویحی گزارش صندوق بین‌المللی پول این است که به‌دلیل سود بالاتر استفاده از روبات‌ها در جهان توسعه‌یافته و ضرورت دیجیتالی شدن تولید در عصر کرونا، سرمایه از کشورهای در حال توسعه که کار مونتاژ قطعات و کالاها را انجام می‌دادند احتمالاً خارج شده و به سمت کشورهای پیشرفته برمی‌گردد تا در تکنولوژی‌های روباتیک نظیر «هوش مصنوعی»، «یادگیری ماشینی»، «مونتاژ روباتیک»، «کلان‌داده‌ها» و سایر فناوری‌های مرتبط صرف شود.

نتیجه اینکه بخشی از سرمایه خارجی موجود در کشورهایی شبیه به ترکیه، اندونزی، پاکستان، چین، بنگلادش، جمهوری چک، برزیل، هند، تایوان، ویتنام و کشورهای مشابه از صنایع خارج شده و به خطوط تولید روباتیک و هوشمند شرکت‌های بزرگ در «آمریکای شمالی»، «غرب و شمال اروپا» و حوزه آسیا-پاسفیک از جمله ژاپن و کره جنوبی و استرالیا برمی‌گردد. به این ترتیب بنگاه‌های بزرگی نظیر تویوتا، تسلا، اپل، ال‌جی، سونی، سامسونگ و نایک احتمالاً بخشی از خطوط تولید خود را به کشورهای مادر برگردانده و به جای استفاده از نیروی کار غیرماهر و ارزان جوامع در حال توسعه، با کمک روبات‌ها تولید صنعتی را بازطراحی می‌کنند. این موضوع البته به کاهش درآمد کارگران در کشورهای در حال توسعه، خروج سرمایه خارج از این مناطق و افت تجارت خارجی منجر شده و شکاف فقیر و غنی را در جهان شدت می‌بخشد.

منبع: دنیای اقتصاد

آنجا که نرخ مشارکت در بازار کار و کارگران صنعتی در کشورهای مختلف جهان وضعیتی متفاوت دارد، سرمایه‌گذاری صنایع در تکنولوژی‌های روباتیک نه تنها به دیجیتالی شدن تولید از طریق متحول کردن اتوماسیون می‌انجامد که از سه راه به تحول در اقتصاد جهانی و افزایش فاصله بین کشورهای فقیر و غنی منجر خواهد شد. این سه راه که از دل مقاله‌ای علمی استخراج شده، شامل «مشارکت در تولید»، «جریان سرمایه‌گذاری» و «مبادلات تجاری» به تحول بخش صنعت و تولید منجر خواهد شد.

گزارش صندوق تاکید می‌کند از آنجا که سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان در کشورهای بزرگ صنعتی روی «انقلاب روباتیک و هوش مصنوعی» به کاهش مشارکت کارگران کشورهای در حال توسعه در حال توسعه منجر می‌شود، همین عامل به افزایش چشمگیر سود شرکت‌ها، رشد درآمد کارگران کشورهای صنعتی و کاهش درآمد کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود که همین عامل یعنی کاهش مشارکت کارگران فقیرتر، به افت جریان سرمایه‌گذاری در این مناطق و تغییر در روابط تجاری بین کشورها ختم خواهد شد. در عین حال با افزایش سوددهی این پروسه، شرکت‌های بزرگ سرمایه بیشتری روی روبات‌ها انجام خواهند داد که همین عامل دوباره کارگران را از خطوط تولید خارج خواهد کرد. پژوهشگران صندوق بین‌المللی پول تاکید می‌کنند چنین چشم‌اندازی احتمالاً تبعات ناگواری برای کشورهای در حال توسعه که امیدوار بودند سود بالایی از پنجره جمعیتی خود به‌دست آورند، دارد و پذیرفتن آن برای این کشورها با چالش همراه خواهد بود. از سویی سرمایه‌گذاری در چنین روندی زمینه کاهش جریان ورود سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه را به‌وجود می‌آورد.

که چندی پیش بانک جهانی از تسریع استفاده از فرآیندهای دیجیتال در عصر کرونا گزارش مفصلی ارائه کرده بود.

«دنیای اقتصاد» در گزارشی در همین باره با عنوان «پاتک دیجیتالی کرونا به کسب‌وکارها»، از سه منظر «عملیات»، «فروش» و «اشتغال» اثر پاندمی را بر کسب‌وکارها بررسی کرده بود. حالا صندوق بین‌المللی پول از جنبه «شیوه تولید» به اثرات کرونا روی تولید در جهان پرداخته است. مجله صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود اعلام کرده در نتیجه دیجیتالی شدن تولید، انقلاب روباتیکی در صنعت رخ خواهد داد و همین موضوع در سال‌های آتی مزیت بالای کشورهای در حال توسعه در زمینه نیروی کار ارزان و فراوان را کمرنگ خواهد کرد. این وضعیت در نتیجه بازگشت بخشی از خطوط تولید به کشورهای صنعتی ظاهر می‌شود.

سرمایه‌گذاری بالای کشورهای توسعه‌یافته در تکنولوژی‌های روباتیک تولید هم به وضعیتی ختم خواهد شد که فاصله رفاه در دو بخش «توسعه یافته» و «در حال توسعه» جهان شدت می‌گیرد. در واقع صنعت از این به بعد رویه هوشمندتری به خود گرفته و کمتر از نیروی کار بهره خواهد برد که همین موضوع به کاهش سطح تولید ناخالص ملی در بسیاری از بخش‌های در حال توسعه جهان که به چرخه مونتاژ محصول کمک می‌کنند، می‌انجامد.

براین مبنای صندوق بین‌المللی پول توصیه می‌کند سیاست‌گذاران صنعت در کشورهای در حال توسعه با اقداماتی تازه به استقبال از چنین روندهایی رفته و از افزایش فاصله جوامع خود با کشورهای توسعه‌یافته جلوگیری کنند.

این گزارش که در آخرین خبرنامه صندوق بین‌المللی پول هم نمایه شده، تصریح می‌کند تشدید سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های روباتیک تأثیرات متفاوتی بر کشورهای مختلف با چارچوب‌های متفاوت جمعیتی می‌گذارد. از

تولید در جهان متحول خواهد شد و سرنوشت صنعت را بازوها و توان فکری بی‌انتهای روبات‌ها رقم می‌زند. گزارش IMF نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری روی تکنولوژی‌های دیجیتال اعم از یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی موجب می‌شود تا تولید در جهان متحول شود. پیامد این اتفاق برای اقتصاد جهانی از دو سو قابل تامل است. نخست کاهش درآمد کشورهای در حال توسعه که نقش همکار در چرخه تولید صنعتی را برعهده داشتند و دوم افزایش ثروت در جهان صنعتی. تولید ناخالص داخلی جهان با «هوش مصنوعی» در افق ۲۰۳۰ تا ۱۴ درصد رشد خواهد کرد.

سرمایه به جهان صنعتی بازمی‌گردد. این جمله، خلاصه آخرین تحلیل صندوق بین‌المللی پول از تأثیر انقلاب روباتیک روی صنایع و بخش‌های تولیدی است و به کاهش سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و پیشرفته در جهان در حال توسعه تاکید دارد. انقلابی که در حال وقوع است و طبق پژوهش‌های جهانی تأثیرات متفاوتی روی صنعت و تولید در کشورهای ثروتمند و فقیر خواهد داشت. دلیل این موضوع سطح استفاده از مزایای انقلاب روباتیک اعم از «هوش مصنوعی»، «یادگیری ماشینی»، «مونتاژ روباتیک»، «کلان‌داده‌ها» و سایر فناوری‌های مشابه در کشورهای مختلف است که مثل یک تیغ دولبه هم می‌تواند به رشد شدید کشورهای پیشرفته منجر شده و هم بخشی از درآمدهای کشورهای فقیر را کاهش دهد.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده این وضعیت که در نتیجه پاندمی کرونا تسریع شده، به تغییراتی اجتناب‌ناپذیر در فرآیندهای تولید در سطح جهان ختم می‌شود. امتناع از ورود به این مسیر نیز به واگرایی فزاینده کشورهای در حال توسعه با اقتصادهای پیشرفته منجر خواهد شد.

چکیده مقاله مشترکی که پنج پژوهشگر آن را در آخرین شماره مجله صندوق بین‌المللی پول منتشر کرده‌اند، به کشورهای در حال توسعه هشدار می‌دهد با توجه به شدت گرفتن استفاده از زیرساخت‌های دیجیتالی تولید در عصر پاندمی کرونا، ممکن است این کشورها بیش از هر زمان دیگری از مسابقه توسعه عقب بمانند. این نهاد مرجع در زمینه تحلیل اقتصاد جهان اعلام کرد راه پوشاندن چنین شکافی تنها سرمایه‌گذاری در آموزش و رواج تکنولوژی‌های دیجیتال و باز شدن مسیر برای به‌روزرسانی خطوط تولید است. گزارش IMF در حالی از دیجیتالی‌تر شدن تولید خبر می‌دهد